

ارزش علم و مال آیا با هم مقایسه میشود

دکتر (اورت اورد) رئیس کلژ تجارنی در اونیورسیتیه (بستان) امریکا ، زندگانی خویش را در بحریمائی آغاز کرد ولی باین کار اکتفا ننموده خواست علی رغم ضیق معیشتی که دارد بکار بزرگتری دست زند بنا بر این آن کشتی را که در آن مشغول خدمت بود ترك کرده بوطن خود برگشت و مقداری از وقت خویش را صرف تحصیل نموده مقدار دیگر را بزراعت مشغول گردید و توانست از اشتغال بزراعت مخارج تحصیل را بیرون آورده حاضر و مهبیای دخول اونیورسیتیه (بستان) گردید در صورتیکه سن او در اینموقع با کسانیکه از آن اونیورسیتیه فارغالتحصیل گردیده و خارج میشدند برابر بود بالاخره چون از آن اونیورسیتیه فارغالتحصیل شد داخل رشته معلمی گردید و طولی نکشید که در اداره کردن مدارس لیاقت او معلوم و معروف شد. حکومت واشنگتن ویرا به (پورتوریکو) فرستاد تا قواعد و نظاماتی برای امور معارفی آنجا وضع کند وقتی بامریکا مراجعت کرد و اوضاع معارفی امریکارا دید با نظریات جدیدی که پیدا نموده بود مورد رضایت خاطر او نشد زیرا او امریکا را مملکتی تجارنی میدانست در صورتیکه اونیورسیتیه ها و کلژ های ان مملکت در امر تجارت، اهمتامی نداشتند و شاکرد را برای مشاغل معروفی از قبیل طبابت یا وکالت عدلیه مهیا میکردند .

مشارالیه بشورای اونیورسیتیه (بستان) پیشنهاد کرد که سرپرستی

تأسیس کثیری را که بشاگردان فنون تجارتي را بیاموزاند در آن اونیورسیتیه
بعهدده خواهد گرفت . شورای مزبور نظر باینکه اطمینان نداشت چنین
عملی پیشرفت پیدا خواهد کرد بان پیشنهاد موافقت نکرد ولی بوی
اجازه داد که پیشنهاد خود را بموقع تجربه در آورد و چون باعضای
شورا گفت « بعد از ده سال دیگر در این کلتز سه هزار نفر مشغول
تحصیل خواهند بود » باو خندیدند. در ۱۳ اکتوبر ۱۹۱۳ کلتز
جدید خود را با چهار نفر معلم و شاگردانی که عده آنها بصد نفر نمیرسید
افتتاح کرد ولی امروز پنج هزار نفر محصل در آن مشغول تحصیل اند
و سالی بالغ بهزار نفر دختر و پسر از آنجا فارغ التحصیل بیرون میانند
که دیپلم آنها باهضای دکتر (اورت لورد) موشح گردیده و تأثیر
مزایای شخصی او در نفوس آنان جای گرین شده است. امروز این مرد
که از پست ترین درجات فقر و جهل بواسطه سعی و تحصیل ببالاترین
مراتب امور معارفی در امریکا نائل شده و در مدت چند سال
متمادی که مشغول بحث و مطالعه در تربیت مدرسی بوده و تأثیریکه
آن تربیت در نفوس هزاران شاگرد و فارغ التحصیل های کلتز او برای
کسب مال نموده مطالب ذیل را دریافته است که :

اولا - محصل درسن چهارده سالگی تحصیلات خود را بسادگی شروع
میکند و آخرین درجه توانائی او در کسب معاش در حوالی سی سالگی است
که در اینوقت کسب وی سالی بدویست وچهل لیره بالغ میشود و هر گاه
در کار خود مداومت دهد تا بسن شصت رسد مجموع آنچه را که در ۴۶ سال
کسب نموده به ند هزار لیره بالغ خواهد گردید و در چهار سال اول
بیش از پانصد لیره کسب نخواهد کرد

ثانیاً - فارغ‌التحصیل مدارس متوسطه عمل خود را در هیجده سالگی شروع میکند و هفت سال دیگر نمیگذرد که بر شخص اول سبقت بگیرد و همواره این سبقت باقی است تا آخرین نتیجه کسب او بسالی ۵۴۰ لیره میرسد و مجموع آنچه را که بین ۱۸ سالگی و شصت سالگی کسب نموده شانزده هزار لیره میباشد. تفاوت بین آنچه را که شخص اول و دوم کسب کرده هفت هزار لیره است. این مبلغ مقیاس فائده ایست که از فارغ‌التحصیل شدن مدارس متوسطه بدست میاید

ثالثاً - فارغ‌التحصیل کثرت عمل خود را در ۲۲ سالگی یعنی هشت سال بعد از اولی شروع میکنند و چون ۲۸ ساله شد نتیجه کسب او مساوی نتیجه کسب فارغ‌التحصیل مدارس متوسطه در سن چهل سالگی است.

مجموع آنچه او در بین ۲۲ سالگی و ۶۰ سالگی کسب می نماید سی هزار لیره یعنی دو برابر آنچه دومی کسب کرده است میباشد پس تفاوت یعنی ۱۵ هزار لیره مقیاس فائده ایست که فارغ‌التحصیل کثرت بدست میاورد

معنی احصائیه های مزبور اینست که وقت و کوششی که هر کس برای وسعت مدارک و تهذیب نفس خود صرف میکند بسیار مفید تر از هزار لیره است که برای خود در بانک ذخیره گذارد و این مطلب عین عقیده مستر (فورد) است که بیکی از مخبرین جرائد میگوید « من با مقالات بسیاری که در جرائد راجع بلزوم ذخیره کردن پول میخوانم موافق نیستم آن مقالات نصیحت میکنند که انسان باید بخود سخت گیرد و پول ذخیره کند من بجانان میگویم پول در بانک ذخیره

نگذارید؛ خرج کنید در راه توسعه فکر خودتان بواسطه مطالعه و مسافرت. خرج کنید برای خریدن افزار جدیدیکه شما را در انجام کار بطور سریع و دقیق مساعدت کند. خرج کنید در راه چیزیکه فائده دارد و در راه مالی که بعد از آن خرج باید جمع شود. من قبل از آنکه بچهل سالگی برسم یکنقران هم پس انداز نداشتم. پدرم وقتی من شغلی را که ماهی بیست لیره عایدی داشت ترك نمودم تابتونم ماشین را که مثل بازیچه ای بود امتحان نمایم تصور کرد در فکر و شعور من خللی راه یافته است ولی همان بازیچه بود که امروز اتومبیل فورد است.

یکی از مخبرین جرائد گوید دکتر (اورت لورد) را ملاقات نمودم و گفتم « من اصولی را که راجع بمحصلین نکاشته بودید واموالی را که آنها میتوانند درمقایسه با معارفی که میاموزند کسب کنند خواندم خلاصه عقیده شما اینست که هر ساعتی که محصل در کلاس صرف میکنند ده دلار کسب مینماید!؟ » گفت. « بله اینست عقیده من! » گفتم « در خصوص شخصی که اوضاع مالی او اجازه نمیدهد داخل مدرسه متوسطه یا کلاس شود چه میگوئید؟ مثل اینست که بجوانان بگوئید چنانچه پدر شما توانست شما را در کلاس بگذارد وسایل پیشرفت برای شما مهیاست و بمقام مهمی نائل خواهید شد که بوسیله آن ثروت هنگفتی بدست خواهید آورد. این مطلب عزم و اراده محصلین طبقه فقرا را سست میکند » جوابداد. « فقر مانع نیست که انسان بمدرسه وارد نشود و بتواند معلوماتی کسب کند که ویرا شایسته پیشرفت و نجات کند و حقیقه مطلب این است که مقصود من از

تهیه و نشر اصول مزبور به تشجیع محصلین برای تکمیل معلوماتشان میباشد زیرا دوره تحصیل نه بگرفتن تصدیقنامه، و دیپلم و نه برسیدن زمان مزاجت، و نه بحد دیگر زندگانی، خاتمه میپذیرد فقط ساعت مرگ باید بدوره تحصیل خاتمه دهد» گفتم «صحیح است ولی فرض میکنم من شخصی هستم که مشغول تجارت میباشم و اوضاع زندگانی من اجازه نمیدهد در مدرسه عالی یا کثرت مشغول تحصیل شوم؛ پس چه باید کرد تا بتوانم در مقابل هر ساعتی که میگذرانم و شرح آنرا شما داده اید دلیر بدست آورم؟» گفتم «سؤال درستی بود؛ تصور میکنم جوابی را که شما انتظار آنرا دارید بدهم. شما متوقع هستید کتبی را در فن تجارت نام ببرم تا آنرا بخوانید یا نشان دهم خطابه هائی را که آنها را برای کثرت تجارتی حاضر کنید البته اینطور هم باید باشد. ولی مسئله که اهمیت آن بیش از مسائل دیگر است اینست؛ که اولاً خودت را بیازما بین در کجا ضعیف و در چه چیز قوی هستی. در هر مورد ضعف داری سعی کن آنرا قوی کنی. من برای عملی شدن این مسئله پنج سؤال تهیه کرده ام که از قرار ذیل خلاصه میشود: -

(ما در سئوالات مزبور اندکی تحریف نموده و آنرا مطابق استعداد خوانندگان این مجله ساختیم)

سؤال اول : چه اطلاع داری

از تاریخ : آیا میتوانی ظهور مصر و یونان و امپراطوری رم و انقراض آنها را ذکر کنی ؟ آیا چگونگی تشکیل اولین سلسله پادشاهان ایران را میتوانی بیان نمائی ؟ آیا تاریخ اجمالی سیروس کبیر، اسکندر، اردشیر بابکان، زون، کنستانتین، شارلمانی، ویلیام فاتح، لوی چهاردهم،

کرومول، ناپلئون، لینکلن را میدانی؟ اصلاح دینی «رفورم» چه بود و در چه دوره بعمل آمد؟ از اسمهای ذیل چه مطالبی میدانی؟
 ترموپلی، سیدان، ماگنا کارتا، واترلو، نلسن، عمر و عاص، یزدگرد،
 محمد شاه هندی، علل جنگهای صلیبی و رجال معروف آنها؟ چه وقت
 فرانسه جمهوری شد.

در لغت - آیا لغات ملی خودت را بدون اشتباه املا میکنی؟
 آیا در توسعه دایره لغاتیکه از زبان مادری خود میدانی اهتمام داری؟ آیا
 اصول قواعد صرفی و نحوی زبان خودت را میدانی؟ آیا در تهجی کلمات
 زیاد اشتباه میکنی؟ آیا فصیح حرف میزنی یا بطوری لکنت پیدا میکنی
 که در حرف تو تأثیری باقی نمیماند؟

در جغرافیا - آیا میدانی علت اختلاف شب و روز، تابستان و
 زمستان چیست؟ آیا میدانی چرا جزر و مد تولید میشود؟ آیا اسم
 اوقیانوسها و قاره هارا میدانی؟ آیا اگر چشم برهم گذاری میتوانی
 نقاط ذیل را روی نقشه نشان دهی؟ :-

کاپ، سیلان، بحر احمر، نفلیس، بیروت، جبل الطارق، اسلامبول.

قله اورست، تنگه بیرینک، جامع علوم انسانی
 آیا میدانی چرا هوای انگلستان گرمتر از هوای جزیره نیوفوندلاند
 است در صورتیکه هر دو در یک عرض جغرافیائی واقع اند؟ چای،
 شکر، ذغال، ابریشم، الماس صادرات چه ممالکی است؟

در ادبیات - آیا اسم ده مؤلف فارسی زبانرا میتوانی بشماری و کتب
 معروف هر یک از آنها را نامبری. آیا از میان آنها پنج کتاب را خوانده. آیا
 شعری از متقدمین یا متأخرین دیده. سه نفر شاعر قدیم و سه نفر شاعر معاصر را نام ببر

آیا چیزی از اشعار خوب آنها حفظ داری. آیا در شرح زندگانی و طرز نگارش یکی از نویسندگان معاصر تحقیقات لازمه کرده؟

در علوم طبیعی - آیا میدانی، چرا در ناستان لوله‌های آب میترکد؟
سنه کبسه چیست؟ وقتی باد میوزد چه چیز حادث میشود؟
آیا میدانی چرا چوب در آب فرو نمی‌رود و آهن فرو میرود؟ عقیده
«نشو و ارتقاء» چیست؟ مبدأ سلسله متری چیست؟ آیا میتوانی سیارات را
بشماری بطوریکه شروع شود از آنکه نزدیکتر بافتابست؟ علت دوران
خون در بدن چیست

در فنون و موسیقی - برا کیستیل کیست. میکلائر و لیوناردو
ونسی از چه حیث معروفند؟ صاحبان اسماء ذیل در چه فنی شهرت
دارند: - واگنر، بیتهون، محمدبن زکریا، رودان، رفائل. تاج محل
چیست و در کجا واقع است؟

در تعلیمات مدنی - تفاوت حکومت دمکراسی و حکومت جمهوری
چیست. آیا میدانی چه تفاوت اساسی میان حکومت انگلیس و حکومت
انازونی امریکا وجود دارد. آیا میدانی ایرانی چه سنی باید داشته باشد
تا بتواند بنماینده‌گی دارالشورای ملی ایران نائل گردد؟ آیا میتوانی
رئیس‌الوزراهای ایران را از سال ۱۲۹۶ شمسی تا کنون مرتباً بشماری؟
آیا میتوانی بگوئی چگونه و چه وقت در ایران مشروطیت پیدا شد؟
در ترکیه، روسیه، افغانستان، هندوستان، بین‌النهرین و ژاپون چه
شکل حکومتی است؟

در تجارت و اقتصاد - آیا میدانی مقصود از قانون عرضه و تقاضا
چیست؟ آیا میتوانی در لزوم تجارت آزاد و غیر آزاد بهترین دلایل را

اقامه کنی؟ آیا میدانی بانکها چگونه سود تحصیل میکنند؟ آیا میدانی چگونه مال قیمت واردات خود را میپردازند. آیا میتوانی در لزوم ترویج از فرش قالی بهترین دلیل را اقامه کنی و آیا میدانی با چه وسیله میتوان بهتر این ترویج را انجام داد؟

در اختراع و اکتشاف - هضت صنعتی چیست؟ ماشین بخار، فنوگراف، تلفون، تلگراف، سینما را که اختراع کرد و این مخترعات برچه اساس علمی متکی است؟ برادران ریت ازچه حیث شهرت دارند؟ بر فکیر را که اکتشاف کرد؟

این بود معلومات اساسی که من آنها را بطور کامل هم ذکر نمودم ولی نمونه ایست که باید آنرا با اوضاع هر مملکتی مطابق کرد

سؤال دوم: ایده آل تو چیست

این سؤال را از بیست نفر بنده اختلاف مسلک و عقیده شدیدی در این خصوص خواهی یافت. ممکن است یکنفر جواب دهد. « من ایده آلی ندارم » او درست نمیگوید زیرا کلمه ایده آل یاغایت مقصود چیز است که بهر مقصودی که انسان آنرا تعاقب میکند شامل میشود. اگر انسان مقصود معینی نداشته باشد در میدان زندگانی کمکشته است و قواعدیکه در این میدان باید رعایت و مورد توجه واقع گردد نه انسان با تردید را ترحمی میکنند و نه شخص کوشه نشین را شفقتی مینماید. پس هر انسانی نا گزیر است راه رسیدن بمقصود را طوری اختیار کند که هم کوتاه و هم جای پایش محکم بوده باشد و او را بر غلبه بمشکلانی که در آنرا پیش میاید کمک کند داشتن ایده ال درزندگانی انسان اهمیتی ندارد بلکه عمده اهمیت در مقدار کوششی است که

انسان برای نال شدن بان ایده آل صرف مینماید زیرا اعمال ما شاهد گویائی بر آرزو و آرمان ما میباشد یعنی هرگاه شخصی بگوید ایده آل من اینست درکار خودم پیشرفت کنم یا مقصود من اینست که بر معلومات تجارتنی خود بیفزایم و مادیدیم که او ساعات بیکاری را صرف میکند برقص یا صحبت‌های بیفایده یا رشک و غبطه خوردن یا درحسادت بهمسران او که پیشرفتنی پیدا کرده اند یا کوشش برای عضویت یافتن در یکی از مجامعی که بتواند درست تظاهر و خودنمایی کند می فهمیم که این شخص در رسیدن بایده آل خود گمراه گردیده زیرا افعال او بر اقوالش مطاق نیست. اگر او میخواست بر معلومات تجارتنی خود که که ایده آل اوست بیفزاید مثلاً کتابهایی که از امور تجارتنی بحث کند بدست میاورد تا بتواند از این رهگذر باقران خود تفوق یابد

پس قدم دوم آنست که انسان بداند ایده آل او چیست و برای وصول بان چه باید کرد و آدم عاقل کسی است که چون ایده آل خود را با اعمال خود مقایسه کرد و خطای او معلوم گردید براه راست گراید یعنی عمل را با مقصود مناسب کند

سؤال سوم: آیا تخیل قوی داری؟

معلومات لازمه انسان و ایده آل ویرا ذکر کردیم ولی تخیل قوی در ترقی و پیشرفت عامل بسیار مهمی است. مقصود این نیست که انسان در گوشه بنشیند و خیال بافی کند و تصور نماید که اینکار «عامل بسیار مهمی» برای پیشرفت و جلو افتادنت مقصود از قوه تخیل قوی آن قوه ایست که ناپلئون بوسیله آن میتوانست اقدامات دشمن را قبل از وقوع در نظر گیرد و برای جلوگیری آن خود را آماده و مهیا سازد. مقصود آن قوه ایست که

اشخاصیکه بکار بزرگی اقدام میکنند قبلا تمام مشکلاتی که در راه آنها پیدا خواهد شد پیش بینی میکنند و وسائل لازم را برای از میان بردن آن مشکلات اتخاذ مینمایند. مقصود آن قوه ایست که ترا قبل از ایجاد مشکلی بجلوگیری آن وامیدارد. مقصود بینش رندگانی کردن و حسن تدبیر است.

سؤال چهارم: آیا میتوانی تمام فکر خود را بیک کار مصروف داری؟ این قوه ارتباط کامل با تخیل قوی دارد. شخصی که قوه اهتمام در یک عمل را ندارد دقت کنیید، پشت میز خود می نشیند. یک ورقه را بر میدارد و دقیقه بان نظر میکند و آنرا بیکطرف میگذارد و ورقه دیگری بر میدارد طولی نمیکشد آنرا نیز بیکطرف پرت میکند بعد از جا بر میخیزد، در اطاق قدم میرند. سپس سیگار خود را آتش زده دوباره پشت میز قرار میگیرد و از همین قرار اوقات خود را بیهوده میگذرانند یعنی وقت را - که گفته اند طلاست - ضایع میکنند. قوه مصروف داشتن تمام فکر بکار، اگر تمام توجه را بکاری که بعهده گرفته اند صرف کنند، نمودینماید. روزی ده دقیقه در یک کار بدون اینکه از آن منصرف شوی فکر کن بچه وسیله میتوانی رئیس ما فوق خود را راضی کنی که باید حقوق ترا اضافه کند. برای اینکار آسانست که بدون شرکت دیگری بکروز ده دقیقه در آن فکر کنی. روز دیگر در مطلب دیگر فکر کن و روز سوم در مطلب ثالث تا این قوه ایکه یکی از عوامل ترقی است ملکه تو شود

سؤال پنجم - آیا تو شجاع جسور هستی؟

شجاعت و اقدام بکار مثل معارفات و ایده آل و تخیل قوی و قوه توجه بکار

مجال وسیعی برای ترقی و پیشرفت بانسان میدهد. زیرا شجاعت قوه اجرائیه دولتی است که قوه تقنینیه آن از عناصر چهارگانه فوق تشکیل یافته است. آیا شخصی را دیده که زندگانی خود را در زندان ترس بسر میبرد. میترسد رتبه اش از کفش بیرون رود، میترسد در کارهایش دچار اشتباه شود، میترسد بسن پیری رسد بدون اینکه مالی ذخیره کرده باشد، چنین آدمی نمیتواند شغل خود را بطوری انجام دهد که رضایت رؤساء خویش را جلب کند زیرا ترس قید بزرگی است که نفس ویرا از حرکت در میدان ترقی و وصول بایده آل باز میدارد. شجاعت يك قوه روحی است که بوسیله (خیال) نمو میکند و بزرگ میشود یعنی تو معتقد شو که قوی و شجاعی و در کشمکش زندگانی بی پروائی همان طور که معتقدی خواهی بود.

دکتراورد اینگونه کلامرا ختم کرد که « این سؤالات پنجگانه را هر کس میتواند از خود بنماید چه از او نیورسیته فارغ التحصیل باشد چه نباشد ولی باید قبل از آنکه میخواند روش عمل خود را برای پیشرفت و ترقی معین کند سؤالات مزبور را بصافی و راستی جواب دهد. وسائل ترقی امروز بیشمار است. موزه ها، خطابه ها، مدارس که بمکاتبه تعلیم میدهند، جرائد یومیه و هفتگی و ماهیانه. در هر کدام از آنها انسان مجالی برای ترقی مدارک و تهذیب نفس خود مییابد.

قسمت عمده مردم میگویند ایده آل ما ترقی و پیشرفت است. این مطلب را فقط بزبان میگویند و اعمال آنها با اقوالشان مطابقتی نمیکند. این اشخاص در حقیقت هنوز خود را شناخته اند و باید خود را بمعرض امتحان درآورده موارد ضعف را پیدا کنند و چنانچه

حقیقه میخواهند ترقی نمایند فوراً بصرف کوشش در راه مقصود شروع کنند هر ساعتی که برای تهذیب اخلاق و ترقی مدارك ما صرف میشود مطابق آن نفعی مادی بما میدهد چه آن ساعت در مدرسه متوسطه صرف شود و چه در خارج آن . احصائیه هائی که در جرائد انتشار داده ام این قول را تأیید میکنند »



دکتر (رونسن) رئیس مدرسه فنون اداری و تجارتي در نیویورک مقاله نوشته و بین استعداد جوان و پیر برای تعلیم و تربیت مقایسه کرده است . مشارالیه گوید عقل اشخاص پیر میتواند هر درسی که در پروگرام مدارس باشد . بهمان سهولتی که جوانان میاموزند بیاموزد بلکه اشخاص پیر بیشتر استعداد دارند که جزئیات درس را بطور صحیح فرا گیرند . دوفتر یکی بیست ساله و دیگری چهل و پنج ساله که هر دو در هوش و صحت و نداشتن غصه و تشویش خیال با هم مساوی باشند امتحان کنید ر بانها موضوع تازه ای که برای آنان لذت بخش باشد بدهید آنوقت استعداد آندو را بفهم موضوع مراقبت کنید پیر را از جوان ممتاز خواهید یافت . از تجاربی که در مدرسه فنون اداری و تجارتي نیویورک کرده ام برهن ثابت گردیده که جوان در اول وهله طوری نشان میدهد که گوئی ادراك او در فهم آن موضوع سه-ربع تر- است ولی پیر را مییابید که جای پای خود را ندیده قدم نمیگذارد . در مطلبی که جوان آنرا قضیه مسلم میپندارد مشغول تردید است ولی طولی نمیکشد که موضوع بحث را طوری فرا میگیرد که مبتنی بر فهم و ادراك میباشد .

دکتر روپنسن عقیده خود را بتفصیل دادن دروسی که در مدارس تعلیم داده و مقایسه‌ای که بین اشخاص پیر و جوان بعمل آورده تقویت میکنند و برای اثبات عقیده (دکتر لورد) که در اینمقاله بیان کردیم دکتر روپنسن میگوید « دوره تحصیل انسان نه در گرفتن تصدیقنامه و دیپلم و نه در زمان مزاجت و نه دوره دیگری از عمر خاتمه میپذیرد فقط مرگ است که دوره تحصیل را تمام میکنند.»

ترجمه :- م . ع



علم و عمل

ازمن بگوی، عالم تفسیر گوی را؛ «گر در عمل نکوشی نادان مفسری!»
 « دعوی مکن که برترم از دیگران بعلم؛ چون کبر کردی، از همه دونان فروتری!!»
 بار درخت علم ندانم بجز عمل . با علم اگر عمل نکنی شاخ بی‌بری.
 علم، آدمیت است، و جوانمردی، و ادب و رند، ددی بصورت انسان مصوری!
 از صد یکی، بجای نیاورده شرط علم، و ز حب جاه در طلب علم دیگری؟!
 هر علم را که کار نبندی، چه فایده؟ چشم از برای آن بود آخر که بنگری

سعدی

